سلام کودکانه

اشتباه هستی خانم

امروز بعداز ظهر داداش پویا عینکش رو کنار آینه گذاشته و خوابیده بود. دلم می‌خواست ببینم با عینک چه شکلی می‌شم. رفتم و عینک داداش پویا رو زدم. داشتم خودم رو توی آینه نگاه می‌کردم، همه چیز رو کج و کوله می‌دیدم. یک دفعه مامان منو دید. مامان به من گفت فورا عینک رو از روی چشمام بردارم. بعد هم برام توضیح داد که اشتباه کردم از وسیله شخصی داداش پویا استفاده کردم و عینک فقط مال داداش پویاست و من نباید اونوبه چشمم بزنم چون ممکنه وقتی عینک داداش پویا رو می‌زنم جلوی چشمم رو خوب نبینم و زمین بخورم.

معذرت خواهی کردم و قول دادم دیگه به عینک داداش پویا دست نزنم.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۱۲۳۹۴۵۷۶
۲۰۰۰۰۹۹۹

دنیای پرندگان

دارکوب

من یک پرنده پرسروصدا هستم که زبون درازی دارم و با نوک تیزم پوست درخت ها رو سوراخ می کنم تا با زبونم حشرات رو بیرون بکشم و اون ها رو به عنوان غذا بخورم. با این که توی هر ثانیه بیشتر از ۲۰ بار به درخت نوک می زنم اما سردرد نمی شم چون بالشتک هایی دور سرم هست که از مغزم محافظت می کنه.

من جزو پرنده‌های زیبا هستم که صدای من رو توی جنگل ها می‌شنوین. همه چیزمی‌خورم اما بیشتر وقت‌ها حشرات، انواع میوه ها و آجیل غذای من هستن. چون رنگ پرهای من قرمز، سفید، قهوه ای یا سبز هست خیلی راحت می‌تونم توی جنگل قایم شم تا آقا روباهه، موش‌ها و مارها نتونن منو شکار کنن. من یک دارکوب شیطون و بازیگوشم.

مرجان ساعدی

شعر

خاک بازی

می‌نشینم در حیاط
در کنار خاک و سنگ
روی کاغذ می کشم
خانه ای خیلی قشنگ

روی کاغذ می خزد
کرم ریز و ناقلا
او تماشا می کند
طرح زیبای مرا

بعد هم او می‌رود
خاک بازی می کند
طبق نقشه شاید او
خانه سازی می کند

شاعر: عفت زینلی

تصویر سازی ها: سعید مرادی

فرفره
صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله ها
روزهای زوج
«زندگی سلام»

شهرقصه

ساعت کوچولوی خواب آلود

یکی بود یکی نبود. در یک ساعت فروشی، چند تا ساعت به شکل های مختلف با هم زندگی می کردند. بین این ساعت‌ها، یک ساعت کوچولو هم بود که بیشتر وقت‌ها خواب می‌ماند. ساعت کوچولو خیلی سعی می کرد اما نمی‌توانست خودش را به ساعت‌های دیگر برساند و همیشه عقب می‌ماند.

آدم‌هایی که از کنار ساعت فروشی رد می شدند به او که گوشه ویترین بود نگاه نمی کردند.

ساعت کوچولو سعی می کرد با تمام سرعت کار کند اما خیلی زود خسته می‌شد و خوابش می‌برد. ساعت کوچولو غمگین بود.

چون هر بار مشتری وارد ساعت فروشی می‌شد به همه ساعت‌ها نگاه می‌کرد، اما هیچ کس به او نگاه نمی‌کرد.

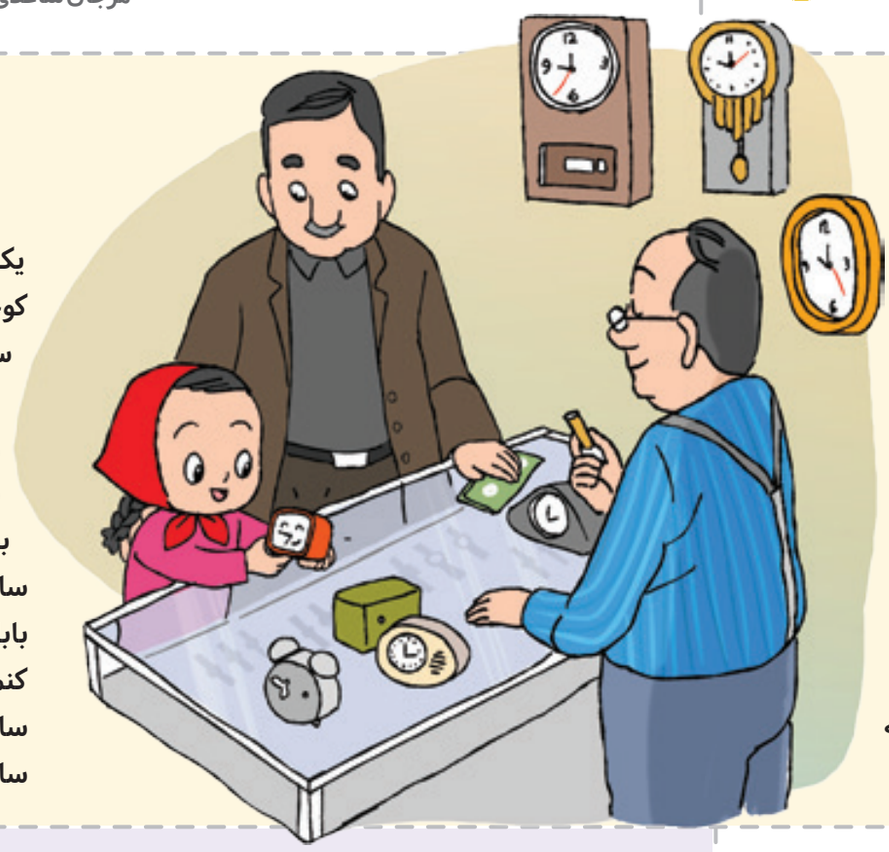

یک روز که یک آقا به همراه دختر بچه‌ای وارد مغازه شدند، ساعت کوچولو سعی کرد جلو بیاید و خودی نشان بدهد اما باتری‌اش تمام شد و سر جایش ماند.

دختر بچه که چشمش به ساعت کوچولو افتاد، آستین پدرش را کشید و با انگشتش به ساعت کوچولو اشاره کرد و گفت: بابا من همین ساعت رو می خوام.

ببین چه ساعت کوچولوی بامزه‌ای است!

ساعت کوچولو خیلی تعجب کرد. دختر بچه خندید.

بابای دختر بچه ساعت را برداشت، نگاهش کرد و به فروشنده داد: فکر کنم باتریش ضعیفه!

ساعت فروش یک باتری نو آورد و باتری ساعت کوچولو را عوض کرد. ساعت کوچولو دیگر خوابش نمی‌آمد.

نویسنده : عارفه روئین

آثار شما

دنیای نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفا نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.

حسنا قره باغی
۵ ساله
همش میره عکاسی
هزارپای کوچولو
دو عکس خوشگل داره
از نیم‌رخ و روبه رو

محدثه قربانی
۷ ساله
به‌به چقدر می‌چسبه
تو گرمای تابستون
بستنی قیفی خوردن
کنار بابا، آخ جون

آیدا ذبیحی
۶ ساله
خرگوش خانم تو دستش
داره چیزای خوبی
پرچم ناز ایران
با آب نبات چوبی

هنرمند کوچولو

گربه

چی لازم داریم؟

یک کاغذ به ابعاد ۳۰ در ۶ سانتی متر، خط کش، مداد یا ماژیک، قیچی و چسب

چطوری درست کنیم؟

۱- ابتدا یک کاغذ به ابعاد ۳۰ در ۶ سانتی متر برش بزنین و اندازه ها رو با مداد بکشین.

۲- اون قسمت‌هایی از شکل که علامت ضربدر خورده رو برش بزنین، چون لازم نداریم.

۳- در مرحله بعدی گوش‌ها، صورت و پاهای گربه رو با مداد یا ماژیک بکشید.

۴- حالا از قسمت‌های خط کشی شده تا زدن رو شروع کنید و در آخر قسمت صورت گربه رو با چسب بچسبونین.

۵- در انتها می‌تونین با یک تکه کاغذ یه دم فرفری هم برای گربه درست کنین.

سمانه تلگردی

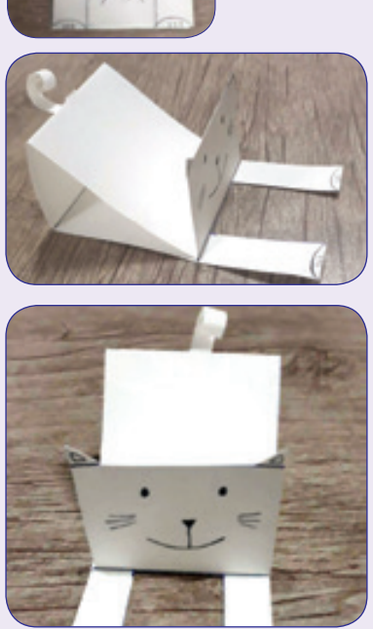

سرگرمی و رنگ آمیزی

بازی و ریاضی
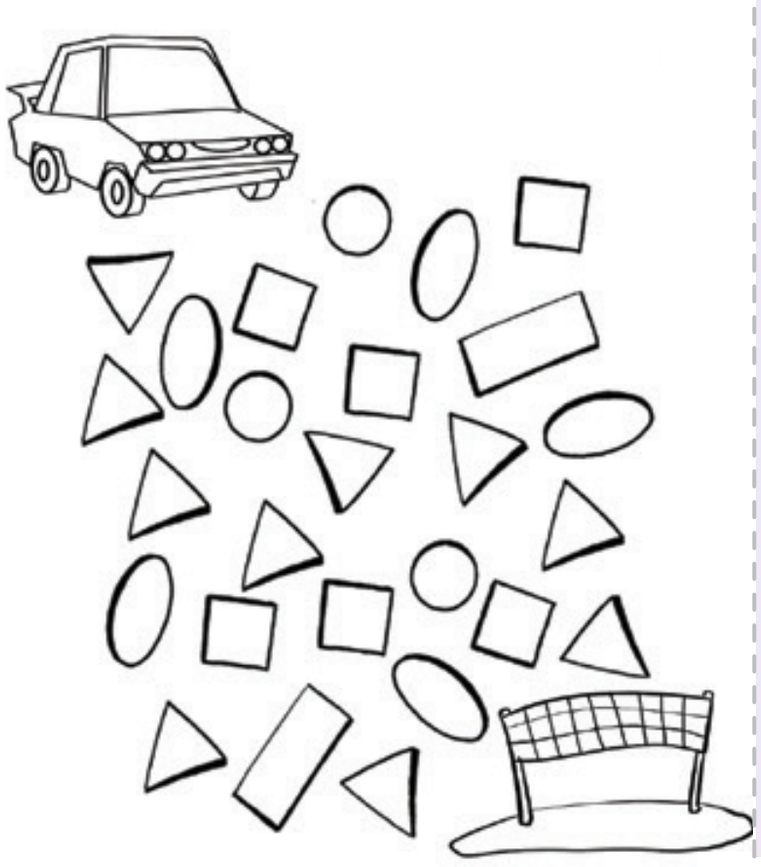
دوستان گلم این ماشین می‌خواد فقط با گذشتن از روی مثلث‌ها به خط پایان برسه. لطفا کمکش کنین و مسیرش رو رنگ آمیزی کنین.